

بررسی مفرغینه‌های دو محوطه سرخ دم و سنگ تراشان لرستان و نقوش آن‌ها

چکیده:

نقوش دوران کهن، برگرفته از آیین‌ها، باورها و رسومی است که در طی قرون متمادی ویژگی‌های منحصر به فرد خویش را حفظ کرده است. سرآمدترین دستاورد هنری غرب ایران در پایان هزاره دوم ق. م. و آغاز هزاره یکم ق. م. آثار مفرغی، معروف به مفرغ لرستانی است. محوطه سرخ دم لری - که اولین منطقه حفاری شده در پیشکوه لرستان است - در سال ۱۳۰۸ ه. ش. توسط هیات باستان‌شناسی هلمز به سرپرستی فریدریش اشمیت حفاری شد. هم‌چنین، منطقه سنگ تراشان یکی دیگر از محوطه‌های باستانی لرستان است که در ۵۲ کیلومتری جنوب شرقی شهر خرم‌آباد قرار گرفته است. این محوطه - که به تازگی کشف شده - دارای بافتی نامتعارف است. با مطالعه و مقایسه گونه‌شناسی به عمل آمده بر روی اشیاء، این دو محوطه از بزرگ‌ترین دفینه‌های مفرغی ایران معرفی شده‌اند. رویکرد پژوهش حاضر با نگرشی جدید به شناسایی انواع مفرغینه‌های دو محوطه باستانی سرخ دم و سنگ تراشان و بررسی نقوش و مفاهیم و کاربرد آن‌ها با یک تنوع شگفت‌انگیز می‌پردازد. روش تجزیه تحلیل اطلاعات توصیفی و تحلیلی است. با استفاده از مطالعات کتاب‌خانه‌ای، اشیای مفرغینه‌های هر دو محوطه معرفی و در ادامه، انواع نقوش آن‌ها، به طور کلی، به دسته‌های انسانی، جانوری، گیاهی و هندسی و نقوش خیالی و اساطیری تقسیم شده‌اند که نقوش حیوانی بیش‌ترین کاربرد را داشته‌اند. این نقوش از منظر زمان، مفهوم و فرم، مورد بررسی کمی و کیفی و تطبیقی قرار گرفته‌اند.

مریم اسلام دوست

مربی گروه ارتباط تصویری، موسسه آموزش عالی رسام، کرج، ایران، نویسنده مسئول.
Email: m.eslamdoost@yahoo.com

هانیه شیخی نارانی

استادیار گروه گرافیک، موسسه آموزش عالی رسام، کرج، ایران.
Email: h_sh_graphica@yahoo.com

نسترن قنبری بابا عباسی

کارشناسی ارشد هنرهای اسلامی، دانشگاه سوره، تهران، ایران.
Email: n.gh.babaabbasi@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۹/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۱۲

1-DOI: 10.22051/pgr.2020.29368.1057

واژه‌های کلیدی: نقوش، مفرغ، لرستان، سرخ دم، سنگ تراشان.

مقدمه

در اواخر هزاره چهارم ق. م. قومی شناخته شده و صاحب تمدنی تکامل یافته به نام تاریخی ایلامیان، تمدن عیلام را در جنوب غربی فلات ایران تاسیس کردند و شهر شوش را مرکز قلمرو خود قرار دادند. فلزگران فلات ایران و شبه جزیره آسیای صغیر که در طول هزاره پنجم ق. م. به طور تقریباً هم‌زمان، موفق به ذوب فلز گردیدند، نخستین کاشفان فن ذوب فلز در جهان باستان بودند؛ حال آن‌که این فن بیش از یک هزار سال بعد به سرزمین میان‌رودان راه یافت. دوره مفرغ با اختراع و به‌کارگیری همبسته مس و قلع در اوایل هزاره دوم ق. م. آغاز شد. حدود سده ۱۲ ق. م. آهن به کار کشیده شد و «عصر آهن» در ایران پدید آمد. در لرستان - که نزدیک به مرکز شوش و متأثر از فرهنگ و هنر ایلام بود - تمدنی پا گرفت که در مفرغ کاری و آهنگری پیشرفت بی‌سابقه‌ای یافت. لرستان در غرب فلات ایران و در ناحیه کوهستانی زاگرس مرکزی قرار گرفته است. سرآمدترین دستاورد هنری غرب ایران در پایان هزاره دوم ق. م. و آغاز هزاره یکم ق. م. آثار مفرغی و مسین معروف به مفرغ لرستانی است. این اشیاء مفرغی را گاهی، ساده با یک نقش تزئینی و گاهی، به صورت یک اثر هنری بسیار زیبا با نقوش مختلف و مجسمه‌های گوناگون شناخته‌اند. در ابداع این نقوش طرز تفکر، عقاید، اعتقادات و رسوم این قوم تأثیر زیادی داشته است. موضوع مفرغ‌ها بیش‌تر حیوانات ترکیبی بوده، این حیوانات گاهی، چنان طبیعی ساخته شده‌اند که واقعا، شبیه به طبیعت واقعی آن‌هاست و گاهی چنان از شکل طبیعی دور شده‌اند که تصویری انتزاعی و تزئینی را به ما نشان می‌دهند. لویی واندنبرگ این اشیاء را به پنج گروه اصلی سلاح‌ها، اشیاء مربوط به زمین و برگ اسب، اشیاء زینتی، اشیاء نذری، ظروف مختلف تقسیم‌بندی کرده است که کل اشیاء از نظری دارای دو سبک است. یکی، طبیعت‌گرا و دیگری، مسبک و خیالی می‌باشند که گاهی، هر دو سبک به هم آمیخته‌اند.

در پژوهش پیش رو، نگارندگان به بررسی نقوش محوطه سرخ دم لری - که اولین منطقه حفاری شده در پیشکوه لرستان است - و محوطه سنگتراشان - که به تازگی کشف شده است - پرداخته‌اند. فصل اول کاوش آن در سال ۱۳۸۴ ه. ش. صورت گرفته و کاوش در قسمت‌های جنوبی و غربی این منطقه، هنوز، به اتمام نرسیده است. هدف بنیادی این پژوهش،

شناسایی و معرفی اشیاء مفرغینه‌های دو محوطه باستانی و هم‌چنین، بررسی کمی انواع نقوش، تطبیق دوره زمانی، فرم و محتوای نقوش به کار رفته در مفرغینه‌ها می‌باشد.

پیشینه پژوهش

از جمله پژوهش‌هایی که در حوزه مفرغ‌های لرستان و نقوش آن صورت گرفته، می‌توان به چند پایان‌نامه و مقاله اشاره کرد: پایان‌نامه «بررسی نقوش در مفرغ‌های لرستان»، پژوهش‌گر آتنا زاهدیان (۱۳۹۵)؛ پایان‌نامه «بررسی نقوش اساطیری مفرغ‌های لرستان در موزه ایران باستان»، پژوهش‌گر لیلا رضایی (۱۳۸۴)؛ پایان‌نامه «نماد و نشانه‌شناسی نقوش تصویری مفرغ‌های لرستان و تصویرسازی بخشی از اسطوره گیل‌گمش در قالب تصویرسازی سه بعدی»، پژوهش‌گر انسبه صفایی (۱۳۸۹)؛ پایان‌نامه «پژوهشی پیرامون ظروف فلزی لرستان نیمه‌ی اول هزاره‌ی اول قبل از میلاد»، پژوهنده مریم قاضی (۱۳۸۱). هم‌چنین مقاله «بررسی نقش گیلگمش بر هنر مفرغ کاری لرستان»، نوشته یوسف منصورزاده (۱۳۹۷) و مقاله «آثار مفرغی لرستان» نوشته سیامک موسوی اسدزاده (۱۳۷۷).

روش پژوهش

روش تجزیه تحلیل اطلاعات، تاریخی، توصیفی و تحلیلی است. با استفاده از مطالعات کتاب‌خانه‌ای، اشیاء مفرغینه‌های هر دو محوطه شناسایی و در ادامه، انواع نقوش مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

پیشینه جغرافیایی و تاریخی لرستان

لرستان در غرب فلات ایران و در ناحیه کوهستانی زاگرس مرکزی قرار گرفته است. شواهد باستان‌شناسی گویای آن است که دست‌کم از دوره پالئولیتیک میانه، منطقه لرستان محل سکونت بوده است (هول، ۱۳۵۲ الف: ۱۶). لرستان از نظر جغرافیای طبیعی و فرهنگی به دو منطقه پیشکوه و پشتکوه تقسیم می‌شود (نوزاده چگنی، ۱۳۷۲: ۲۴). استان لرستان با واقع شدن در بخش میانی زاگرس و تأثیرپذیری از دو جبهه هوای مدیترانه‌ای و اقیانوس هند از خصوصیات آب و هوایی متنوعی برخوردار است. از دلایل شکل‌گیری و استقرار انسانی در این ناحیه، همین تفاوت و تنوع آب و هوایی و میزان

در لرستان به جامانده، قبور مردمانی است که طی چند هزار سال به طور پراکنده می‌زیسته‌اند. این گورستان‌ها معمولاً، در مجاورت سرچشمه رودها و یا در کنار چشمه‌ها ایجاد شده‌اند (معمدی، ۱۳۵۳: ۶۹).

اکثر مفرغ‌های لرستان از قبرها به دست آمده و اشیایی هستند که متعلق به مرده‌ها بوده‌اند که با جسد آنان دفن شده‌اند. علت امر هم این است که، مردم ساکن لرستان در آن زمان، به بحث مردگان عقیده داشتند و تصور می‌کردند که انسان پس از مرگ به ادامه زندگی می‌پردازد و بدین جهت، اشیای نفیس و بت‌ها و وسایل روزمره را با مرده به خاک می‌سپردند (علایی، ۱۳۴۵: ۴۷). پس از حفاریات اشمیت در سرخ دم تا سال ۱۳۴۱ ه. ش.، هیچ نوع حفاری علمی در منطقه انجام نگردید. از این سال به بعد، حفاریات باستان‌شناسی بسیاری در منطقه انجام شد.

در سال ۱۳۴۳ ه. ش.، برای نخستین بار، توجه دانشمندان به سوی گونه‌شناسی مفرغ‌ها جلب شد. در میان این دانشمندان، می‌توان از خانم پرادا، رابرت دایسون و شیفر نام برد. در همین سال، لوئی واندنبرگ شرحی گویا و تحلیل گرایانه از گونه‌های مختلف مفرغ‌های لرستان ارائه کرد (مجید زاده، ۱۳۶۷: ۴-۵). با گسترش فعالیت‌های میدانی در لرستان، مطالعات و تحقیقات گونه‌شناختی پرشماری درباره مفرغ‌های لرستانی آغاز شد که منجر به ارائه نظریات گوناگونی در مورد تاریخ‌گذاری اشیای مفرغی لرستان شد. دلیل اساسی در مورد تاریخ‌گذاری مفرغ‌های لرستانی، گویای این است که همگی این اشیاء را یک جا و به شکل مجموعه‌ای یک پارچه مطالعه کرده‌اند. در حالی که مفرغ‌های لرستانی، گونه‌های مختلف و متفاوتی را شامل می‌شود که عبارتند از: ابزارهای جنگی مانند شمشیرها، خنجرها، گرزها، تبرها، سرپیکان‌ها، سرنیزه‌ها، سپرها و تزیینات صورت اسب و لگام‌ها و وسایل زینتی مانند دستبندها، سرسجاق‌ها، دکمه‌ها و انواع ظروف مانند جام‌ها، سطل‌ها و... این اشیاء را گاهی، ساده با یک نقش تزیینی و گاهی، به صورت یک اثر هنری بسیار زیبا با نقوش مختلف و مجسمه‌های گوناگون - که در ابتدا یا انتهای اشیاء نصب شده و خود مجسمه نیز قسمتی از آن به شمار می‌رود - ساخته‌اند. در ابداع این نقوش طرز تفکر و عقاید و اعتقادات و رسوم این قوم تأثیر زیادی داشته است (نوزاده چگنی، ۱۳۷۲: ۲۹).

نزولات جوی و دماست که اقلیم‌های متنوعی را در استان پدید آورده است. لرستان، منطقه‌ای است که مرکزآبادانی بوده و رودخانه سیمره اراضی آن را آبیاری می‌کرده است و همواره محل سکونت اقوامی بوده که در اطراف و سواحل رود سیمره گردآمده‌اند. علت گردآمدن این اقوام در نواحی لرستان، فراوانی آب و حاصل‌خیزی زمین بوده است (گاف، ۱۳۵۲: ۱۴). شواهد تاریخی بیانگر این است که منطقه زاگرس از هزاره سوم تا اول ق. م. محل تاخت و تاز اقوام بسیاری بوده است. از هزاره سوم ق. م. در شمال منطقه اقوام گوتی و لولوبی می‌زیسته‌اند و از نیمه هزاره دوم ق. م. هم جوامع ساکن این کوهستان‌ها را کاسی‌ها تشکیل داده‌اند. در نیمه اول هزاره اول ق. م. بیش‌ترین بخش این منطقه را ابتدا، ایپی‌ها و سپس، نورسیدگان مادی اشغال کردند (هژبری نوبری، ۱۳۹۰: ۲۶). مهم‌ترین دستاورد هنری غرب ایران در پایان هزاره دوم ق. م. و آغاز هزاره یکم ق. م. آثار مفرغی و مسین معروف به مفرغ لرستانی است. مفرغ لرستانی، نام عامی برای انبوهی از مصنوعات فلزی منسوب به لبه غربی فلات ایران است. انتساب مفرغ‌های لرستانی به یک گروه قومی و نژادی خاص، گویا، غیرممکن به نظر می‌رسد. البته، از دیرباز برخی پژوهشگران، کاسیان را آفرینندگان مفرغ لرستانی در معنای عام خود از لحاظ هم‌زمانی با فرمانروایی کاسیان می‌دانند. پس از خوزستان، لرستان زودتر از دیگر مناطق ایران مورد توجه باستان‌شناسان قرار گرفت (کریمی، ۱۳۵۲: ۱۱۴).

مفرغ‌های لرستان

آنچه از ساکنان اولیه لرستان می‌دانیم این است که در حدود سه هزار سال پیش از میلاد، قومی به نام کاسی از طریق قفقاز وارد خاک ایران شده و به تدریج، در قسمت‌های مختلف پشتکوه و پیشکوه فعلی مستقر گردید. از این مردمان، به عنوان نخستین رام‌کنندگان اسب، یاد شده است، زیرا همسایگان نیرومندشان (ایلام در خوزستان و بابل در میان رودان)، از سواران اجیر کاسی در ارتش خود استفاده می‌کرده‌اند. کاسی‌ها علاوه بر جنگاوری در هنر هم سرآمد بوده‌اند. هنرمندان این قوم مفرغ را به خدمت گرفتند و انواع گوناگون اشیای برنزی از قبیل ظروف و پیکره‌ها را پدید آوردند. ساکنان آن زمان لرستان یک جا مستقر نبوده‌اند و با کوچ نشینی روزگار می‌گذراندند. تنها آثاری که از اعصار بسیار قدیم

معرفی دو محوطه سرخ دم لری و سنگ تراشان

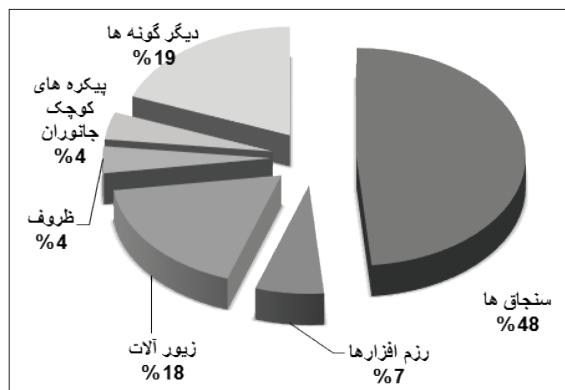
محوطه باستانی سرخ دم لری و محوطه سنگ تراشان هر دو در منطقه لرستان واقع شده‌اند. محوطه سرخ دم لری در دامنه کوهی مشرف به روستایی به همین نام که ۱۲ کیلومتری جنوب شرقی خوشنام‌وند نیز خوانده می‌شود در ۱۲ کیلومتری جنوب شرقی کوه‌دشت لرستان واقع شده است (Schmidt, 1989: 36). به طور کلی، آثار مکشوفه در این محوطه به جز تعدادی که مربوط به دوره مفرغ است، به زمانی میان ۱۲۰۰ تا ۶۵۰ ق. م.، یعنی دوره آهن تعلق دارند؛ که مهم‌ترین آنها مفرغینه‌هایی است که هنگام ساخت بنای سرخ دم، به عنوان نذر در میان دیوارها و زیر کف‌ها و یا بعداً، در شکاف دیوارها گذاشته شده است (Ibid: 44).

محوطه سنگ تراشان در جنگل‌های بلوط جنوب استان لرستان، در نزدیکی روستایی موسوم به سنگ تراشان در ۵۲ کیلومتری جنوب شرقی شهر خرم‌آباد واقع است (ملک زاده، ۱۳۸۵: ۲۳). این محوطه، دفرینه‌ای مذهبی است که مربوط به عصر آهن II و عصر آهن III است (۱۴۰۰-۱۰۰۰ ق. م.) و بافتی غیرمعمول و نامتعارف دارد؛ به این معنی که، اشیای کاوش در یک بافت ناشناخته به دست آمده و در آن، کوچک‌ترین نشانه‌ای از گورهای باستانی و بافت معماری مشاهده نشده است. یافته‌های این محوطه، به سه دسته رزم‌افزارها، ظروف و دیگرگونه‌ها تقسیم‌بندی می‌شوند. باستان‌شناسان، عادتاً، مجموعه اشیاء و آثار اصطلاحاً، منقول را یا از درون گورهای باستانی می‌یابند و یا از میان بقایای ویران بناها و بافت‌ها می‌جویند؛ اما در سنگ تراشان چنین نیست. در این محوطه،

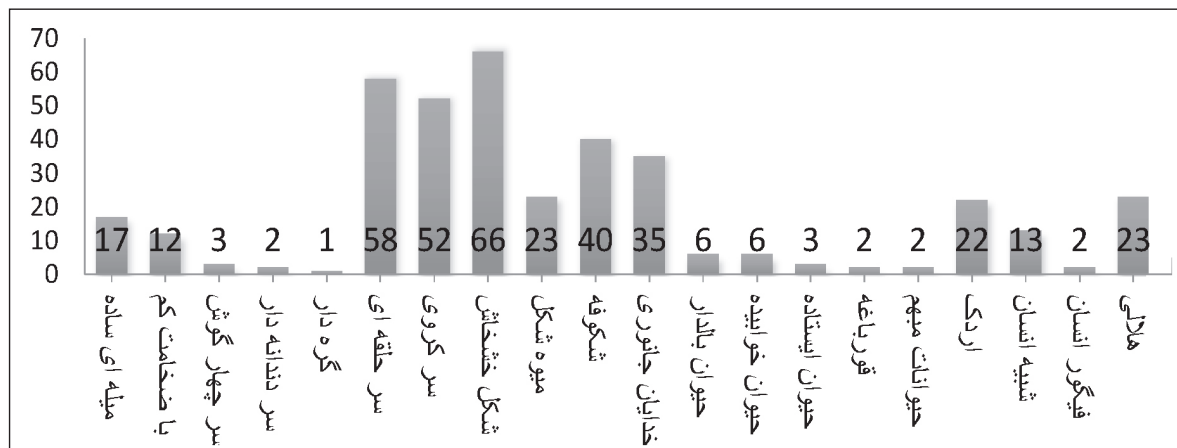
مجموعه پرشماری از دست‌آفریده‌های مفرغی در بافتی غیر معمول و نامتعارف به دست آمده است. کوچک‌ترین نشانه‌ای از گورهای باستانی دیده نشده و هیچ شاهی نیز از بافت معماری احتمالی نیز مشاهده نشده است. هر چه هست، انباشتی بی‌نظیر مفرغینه‌های لرستانی در کنار هم و در مجموعه‌های چندده تایی نزدیک به هم است (همان: ۱۸۶).

مفرغینه‌های یافت شده در محوطه سرخ دم لری

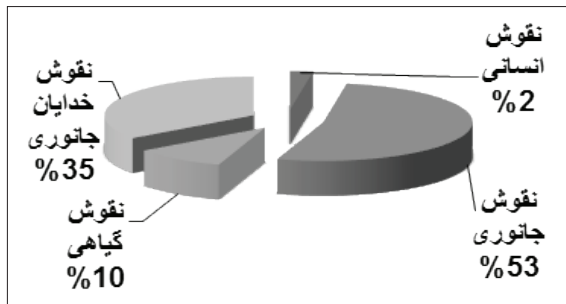
کل اشیای بررسی شده در گزارش دانشگاه شیکاگو در مورد یافته‌های سرخ دم لری، شامل ۲۳۲۱ عدد است که از این میان اشیای مفرغینه ۵۰۸ عدد، اشیای مسی و مفرغی ۳۵۱ عدد، اشیای بدل چینی ۱۹۵ عدد، اشیای سنگی ۱۶۶ عدد و دیگر اشیاء ۸۴۰ عدد می‌باشد. در میان اشیای مفرغین یافت شده در سرخ دم لری، سرسنجاق‌ها دارای درصد بیش‌تری نسبت به دیگر اشیای مفرغین می‌باشند و تعداد آن‌ها ۳۹۱ عدد است. در بین بقیه اشیای مفرغین رزم‌افزارها ۵۳ عدد،



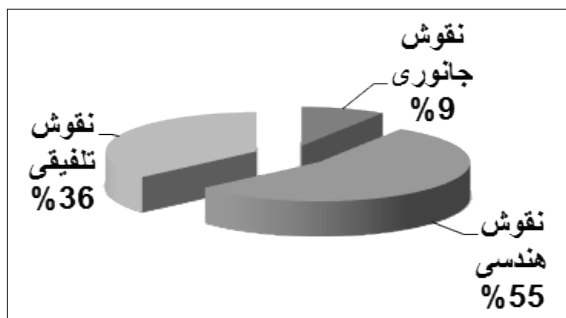
تصویر ۱: تقسیم‌بندی اشیای مفرغینه محوطه سرخ دم لری بر حسب درصد (منبع: نگارندگان).



تصویر ۲: تقسیم‌بندی نقوش سرسنجاق‌های یافت شده در محوطه سرخ دم لری (منبع: نگارندگان).

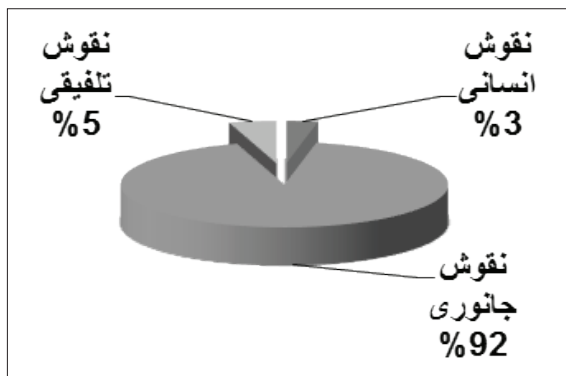


تصویر ۴: تقسیم بندی نقوش زیورآلات سرخ دم بر حسب درصد (منبع: نگارندگان).



تصویر ۵: تقسیم بندی نقوش ظروف سرخ دم بر حسب درصد (منبع: نگارندگان).

سرخ دم پیدا شده است، سرپیکان، گرزو کارد و خنجر و تیشه و شمشیرها ساده و بدون نقش هستند و فقط ۲ تبر از میان آن‌ها دارای نقش جانوری می باشد.



تصویر ۶: تقسیم بندی نقوش دیگر گونه های مفرغی سرخ دم بر حسب درصد (منبع: نگارندگان).

نقوش دیگر گونه ها: در میان یافته های مفرغی در محوطه سرخ دم نقوش دیگر گونه (اشکال شبیه شاخ بز گوهی، آویز، ابزار، دکمه و...) که ۹۰ عدد آن‌ها، بدون نقش و ۶۴ عدد آن‌ها دارای نقش است که نقوش انسانی ۲ عدد، نقوش جانوری ۵۹ عدد، نقوش تلفیقی ۳ عدد می باشد.

مفرغینه های یافت شده در محوطه سنگ تراشان

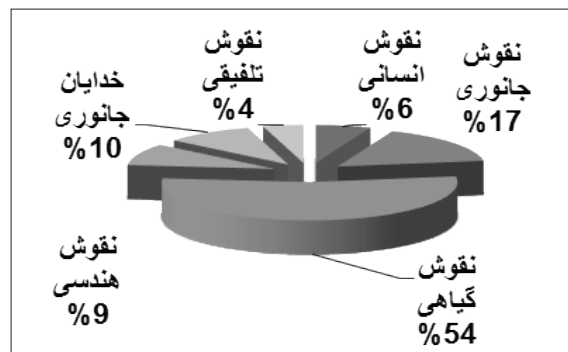
کل اشیای بررسی شده در سنگ تراشان، عبارت بود از ۳۵۵

زیورآلات ۱۴۲ عدد، ظروف ۳۲ عدد، پیکره های کوچک اندام جانوری ۳۳ عدد و دیگر گونه ها ۱۵۴ عدد هستند (Holmes, 1989:103).

شناسایی نقوش محوطه سرخ دم لری

نقوش سرسنجاق ها: به طور کلی در آثار مکشوفه در محوطه سرخ دم لری، سرسنجاق ها بیشترین درصد را به خود اختصاص می دهند که تعداد آن‌ها ۳۹۱ عدد می باشد. سرسنجاق های یافت شده در محوطه سرخ دم به گونه های نمودار زیر - که از داده های گزارش دانشگاه شیکاگو استخراج شده است - تقسیم بندی می شود (Holmes, 1989:103).

از میان سرسنجاق ها که در محوطه سرخ دم یافت شده اند، ۱۴۵ عدد آن‌ها بدون نقش هستند. سرسنجاق ها با نقوش انسانی ۱۵ عدد، نقوش جانوری ۴۱ عدد، نقوش گیاهی ۱۳۴ عدد، نقوش هندسی ۲۳ عدد، خدایان جانوری ۲۴ عدد و تلفیقی ۱۱ عدد می باشد که در مجموع ۲۴۸ عدد آن‌ها دارای نقش می باشند.

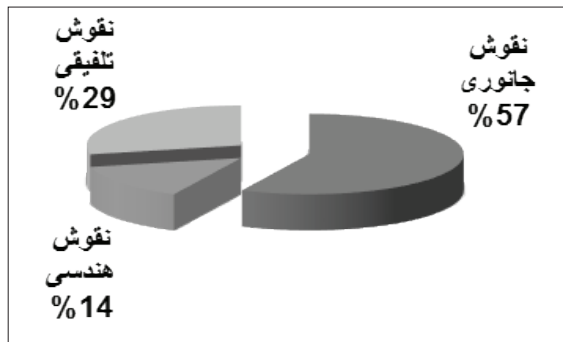


تصویر ۳: تقسیم بندی نقوش سرسنجاق های سرخ دم بر حسب درصد (منبع: نگارندگان).

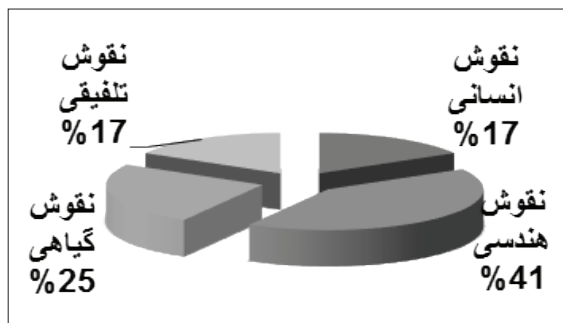
نقوش زیورآلات: از کل یافته های مفرغی در محوطه سرخ دم، ۱۴۲ عدد آن‌ها متعلق به گروه زیورآلات است که ۱۱۹ عدد آن‌ها، بدون نقش و ۲۲ عدد آن‌ها دارای نقش می باشند. نقش انسانی ۱ عدد، نقوش جانوری ۳ عدد، نقوش گیاهی ۴ عدد، نقوش خدایان جانوری ۱۴ عدد است.

نقوش ظروف: تمام ظروف پیدا شده در سرخ دم لری، ۳۲ عدد است که شامل قوری، سیتولا و دیگر گونه ها می شود. از میان سه عدد قوری، دو عدد از آن‌ها، دارای نقوش هندسی ساده و یکی از آن‌ها، بدون نقش است.

نقوش رزم افزارها: از میان کل رزم افزارهایی که در محوطه



تصویر ۸: تقسیم بندی نقوش رزم افزارهای سنگ تراشان بر حسب درصد (منبع: نگارندگان).



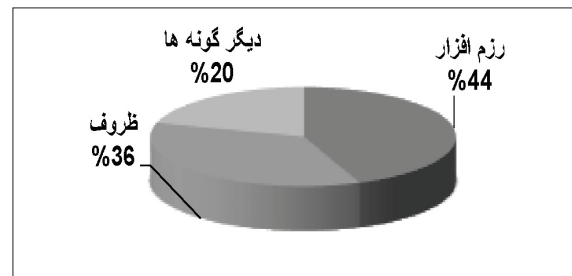
تصویر ۹: تقسیم بندی نقوش ظروف سنگ تراشان بر حسب درصد (منبع: نگارندگان)

۱۴ قطعه لوله آبریز قوری و قطعات حاشیه آبریز و بخش هایی از بدنه با پرچ های نیم کروی، در کاوش محوطه سنگ تراشان جمع آوری شده است. از دیگر ظروف پیدا شده در سنگ تراشان، سیتولاها هستند (همان: ۶۳). به طور کلی از میان تمام یافته های مفرغی در سنگ تراشان، ۱۰۴ عدد ظرف هستند که ۱۲ عدد آن ها، دارای نقش می باشند و ظروف بدون نقش و ساده ۹۲ عدد است. از این میان ظروف نقش دار، دارای نقوش انسانی ۲ عدد، نقوش هندسی ۵ عدد، نقوش گیاهی ۳ عدد و نقوش تالیفی ۲ عدد است.

نقوش دیگر گونه ها

زیورات: تعداد آثار مفرغی تزئینی در میان یافته های محوطه سنگ تراشان، بسیار کم بود و از برخیمونه های به دست آمده از دیگر نقاط لرستان، مانند گوشواره و دستبند و گردن آویز هیچ نشانه ای نبود. تنها چند نمونه سنجاق لباس، شاید تنها موارد اشیای تزئینی است که در میان مجموعه یافت شد (ملک زاده، ۱۳۸۵: ۱۲۱).

پیکرک های نیایشگران: از میان دسته بندی دیگر گونه ها - که شامل سنجاق ها و پیکرک های نیایشگران و سر علم و... است - مفرغینه های بدون نقش ۴۳ عدد و نقش دار ۱۷ عدد



تصویر ۷: اشیای مفرغین یافت شده در محوطه سنگ تراشان بر حسب درصد (منبع: نگارندگان).

عدد که از آن میان، سهم اشیای مفرغین ۲۹۳ عدد و سهم اشیای سفالین ۲۹ عدد و دیگر اشیای ۳۳ عدد بود. در میان اشیای مفرغین، نسبتی تقریباً متعادل میان رزم افزارها ۱۲۹ عدد و ظروف ۱۰۴ عدد برقرار است. البته، با اندکی غلبه ناچیز رزم افزارها از نظر تعداد. ظروف فلزی سنگ تراشان غالباً، مفرغی است و عملاً، تنوع چندانی را به نمایش نمی نهد. در این میان، آن چه بسیار مهم به نظر می آید، وجود تعداد کم نظیر قوری های لوله دار است. کل ظروف یافت شده ۱۰۴ عدد است و قوری ها ۳۰ عدد، سیتولا ۶ عدد و ظروف ۶۸ عدد است (ملک زاده، ۱۳۸۵: ۶۸).

شناسایی نقوش محوطه سنگ تراشان

از لحاظ آماری تقریباً، بیش تر یافته های منسوب به فرهنگ مفرغ لرستان که تا به امروز، شناخته شده بود؛ نه از طریق کاوش های علمی، بلکه از بازار عتیقه، به موزه ها و مجموعه های مختلف در سراسر جهان راه یافته است. در سنگ تراشان این بار، باستان شناسان با مجموعه ای حاصل از کاوش های علمی مواجه هستند؛ بنابراین، قادرند بنیان های روشن و مطمئنی برای مقایسه مفرغ های لرستان را ایجاد کنند (همان: ۳۲). کل یافته های پیدا شده در سنگ تراشان عبارت بود از ۳۵۵ عدد که از آن میان، سهم اشیای مفرغین ۲۹۳ عدد بود که رزم افزار ۱۲۹ عدد، ظروف ۱۰۴ عدد و دیگر گونه ها ۶۰ عدد است (همان: ۵۳).

نقوش رزم افزارها: از میان کل رزم افزارها، شمشیرها و خنجرها ۵۵ عدد، تبرها ۱۹ عدد، دیگر گونه ها ۵۵ عدد است. از میان ۱۲۹ رزم افزار، رزم افزارهای بدون نقش ۹۶ عدد و رزم افزارهای دارای نقش ۴۳ عدد است که نقوش جانوری ۸ عدد، نقوش هندسی ۲ عدد و نقوش تالیفی ۴ عدد است.

نقوش ظروف: به طور کلی ۱۷ عدد قوری کامل و سالم و حدود

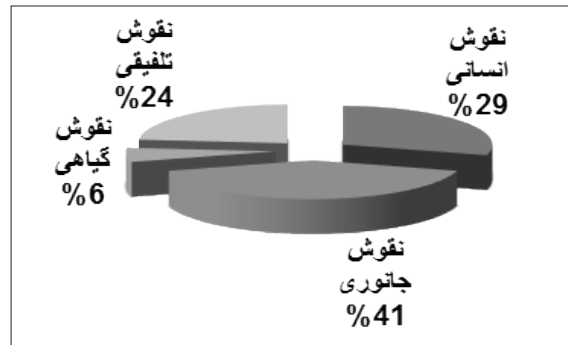
سنگ تراشان نمونه‌هایی از این سنجاق‌ها، در اندازه‌های متفاوت به دست آمده که برخی، بسیار ساده و برخی، با تزیینات اندک است و سرسنجاق‌های دیسک مانند، در این محوطه یافت نشده است. اما در سرخ دم لری، سرسنجاق‌ها بیش‌ترین درصد یافته‌های مفرغینه را به خود اختصاص می‌دهند، که تعداد آن‌ها ۳۹۱ عدد می‌باشند. ۱۴۵ عدد آن‌ها، بدون نقش و ۲۴۸ عدد آن‌ها، دارای نقش می‌باشند. در میان سرسنجاق‌های سرخ دم، نقوش گیاهی و پس از آن نقوش جانوری، بیش‌ترین درصد را دارا می‌باشند.

برای ایجاد نقوش سنجاق‌های دیسکی سرخ دم از دو شیوه خطی و قالبی استفاده شده است. نقوش انسانی و حیوانی، به صورت سطوح تقریباً مسطحی هستند که به کمک چکش کاری برجسته شده‌اند. اما هنگامی که صورت تمام رخ سربیک انسان یا یک جانور مورد نظر بوده، به ویژه آن‌که، اگر در مرکز دایره دیسک سرسنجاق قرار می‌گرفته، تقریباً بدون استثنا، در ایجاد آن، از شیوه قالب‌گیری استفاده شده است و بنابراین، نقش‌ها ارزش پیکره‌ای کسب کرده‌اند. در تصویر ۱۱، شیوه اجرا به استثنای صورت تمام رخ مرکزی - که ارزش پیکره‌ای دارد - خطی است. در سنجاق‌های محوطه سرخ دم لری، بین پوشش مردان و زنان وجه تمایز آشکاری وجود دارد. بدن زن‌ها بالباسی یک تکه همچون پیراهن آستین بلند - که تا مچ دست ادامه یافته و لبه آن، ساده و فاقد حاشیه تزیینی است - پوشیده شده است و یا گاهی، تنها یک دامن بر تن آن‌هاست و بالاتنه را برهنه رها کرده‌اند (تصویر ۱۲).

مردها لباسی دو تکه بر تن کرده‌اند، که از یک دامن و یک پیراهن با آستین‌های کوتاه تشکیل می‌شود. یک بند شلوار



تصویر ۱۲: نقش زن بر سرسنجاق مفرغینه سرخ دم (URL2).



تصویر ۱۰: تقسیم‌بندی نقوش دیگر گونه‌های سنگ تراشان بر حسب درصد (منبع: نگارندگان).

می‌باشند. پیکره‌های انسانی ۵ عدد، نقوش جانوری ۷ عدد، نقوش گیاهی ۱ عدد و نقوش تلفیقی ۴ عدد هستند.

بررسی نقوش سرخ دم و سنگ تراشان لرستان

تنوع شگفت‌انگیز نقوش مفرغینه‌های لرستانی، پژوهشگران را ساخت برای طبقه‌بندی و پی‌جویی تعلق آن‌ها به مکاتب هنری شناخته شده، دچار سردرگمی می‌کند (همان: ۴۶). مفرغ‌های لرستان، دارای دو سبک مشخص می‌باشند که گاهی هر دو سبک به هم آمیخته‌اند. یکی سبک طبیعت‌گرا و دیگری سبک خیالی. موضوع مفرغ‌ها بیش‌تر از حیوانات ترکیب یافته است و این حیوانات، گاهی، چنان طبیعی ساخته شده‌اند که واقعا، شبیه به طبیعت واقعی آن‌هاست و گاهی چنان از شکل طبیعی دور شده‌اند که تصویری انتزاعی و تزیینی را به ما نشان می‌دهند (واندنبرگ، ۱۳۴۹: ۹۴-۹۵).

نقوش سرسنجاق‌های مفرغی

از یافته‌های مفرغینه لرستان، سرسنجاق‌هایی است که برای آراستن مو یا بستن لباس به کار می‌رفته است. در محوطه



تصویر ۱۱: نقش برجسته بر سرسنجاق مفرغینه سرخ (URL2).



تصویر ۱۴: نوارهای تزئینی استفاده شده برای حیوانات موجود در سرسنجاق‌های سرخ دم (URL2).

هستند. این نقش‌ها، بی‌شک، به صورت غیرمستقیم و از طریق آشور به ایلام و لرستان راه یافته است. به احتمال زیاد، بخشی از ویژگی‌های هنرمیتانی از راه آشور به شوش و دیگر نقاط امپراتوری ایلام، از جمله سیماش (لرستان امروزی) راه یافت (همان: ۱۳).

متداول‌ترین نقش در تزئین سرسنجاق‌ها، صورت تمام‌رخ انسان‌های از روبه‌رو است که خاستگاه این شیوه تصویرنگاری، سرزمین میتانی‌ها بوده است. از دیگر ویژگی‌های هنرمیتانی، استفاده از گوش‌های برگ مانند یا به عبارت بهتر، گوش‌های جانوری برای نقش انسان است. یکی دیگر از نقش‌های سرسنجاق‌ها، نقش بزمعلق در هوا با سری به عقب برگشته است. این شیوه تصویرجانور در طول قرن‌های چهاردهم تا یازدهم در سراسر خاورمیانه در میان میتانی‌ها تا آشوری‌های دوران آشور میانی و سوری‌ها متداول بوده است (هژبری نوبری، ۱۳۹۰: ۱۷۶) (تصویر ۱۵).



تصویر ۱۵: نقش بزهای به عقب برگشته بر سرسنجاق مغرغی سرخ دم (URL2).



تصویر ۱۳: نقش مرد بر سرسنجاق مغرغی (URL2).

با تزئین جواهر نشان-که در جلو به حالت متقاطع قرار گرفته است- دامن را نگه می‌دارد. افزون بر آن، معمولاً، دو نوار مشابه، یکی، به میج و دیگری، به انتهای ساعد بسته شده است (تصویر ۱۳). جالب این‌که نوارهایی مشابه، دست‌های حیواناتی را تزئین می‌کنند که به حالت متقارن در دوسوی نقش سومی، چون درخت زندگی قرار گرفته‌اند (تصویر ۱۴) (مجیدزاده، ۱۳۶۷: ۹).

به طور کلی، تزئینات سرسنجاق‌ها را می‌توان به دو گروه تک‌نقشی و چند نقشی تقسیم کرد. بزرگ‌ترین ویژگی نقوش برجسته این سرسنجاق‌ها، به استثنای چند مورد، تقارن نقش‌ها است. این تقارن، باعث گردیده است که نقش‌ها ساکن و بی‌حرکت به نظر می‌آیند؛ اما در موارد استثنایی از شیوه قرینه‌سازی استفاده نشده و در نتیجه، صحنه سرشار از تحرک و زندگی است. تقریباً، در همه سرسنجاق‌ها، اگر نقش اصلی قرینه‌سازی شده باشد، چنانچه نقش مایه‌های پرکننده‌ای همراه آن باشد، آن‌ها نیز متقارن هستند. از دیگر ویژگی‌های نقوش برجسته سرسنجاق‌ها، تراکم نقوش است که معمولاً، معلول دو عامل است: یکی، استفاده از نقش مایه‌های پرکننده و دیگری قرار دادن چندین نقش در یک فضای کوچک (همان: ۵-۷). بیش‌تر نقش‌های چند موضوعی، تقریباً، همان‌هایی هستند که در سرسنجاق‌های تک موضوعی مورد استفاده قرار گرفته‌اند. گاهی یک نقش، قرینه وار تکرار می‌شود. این نقش‌ها، عبارتند از صورت تمام‌رخ مرکزی، جانوران رو در رو، صحنه مراسم نیایش، جانورانی که از یک دیگر دور می‌شوند (همان: ۱۱). نقش‌های سرسنجاق‌های سرخ دم، بیش از همه با نقش‌های میتانی قابل مقایسه

سرخ دم، ۱۴۲ عدد آن‌ها متعلق به گروه زیورآلات هستند که ۱۸ درصد کل یافته‌های مفرغی را تشکیل می‌دهند. از این میان، ۱۱۹ عدد آن‌ها بدون نقش و ۲۲ عدد آن‌ها، دارای نقش هستند. نقوش جانوری بیش‌ترین تعداد را دارند و حدود ۵۳ درصد از زیورآلات دارای نقوش جانوری می‌باشند. نقوش خدایان جانوری ۳۵ درصد از کل زیورآلات و دررتبه دوم قرار دارند؛ اما نقوش گیاهی و انسانی درصد بسیار اندکی را شامل می‌شوند.

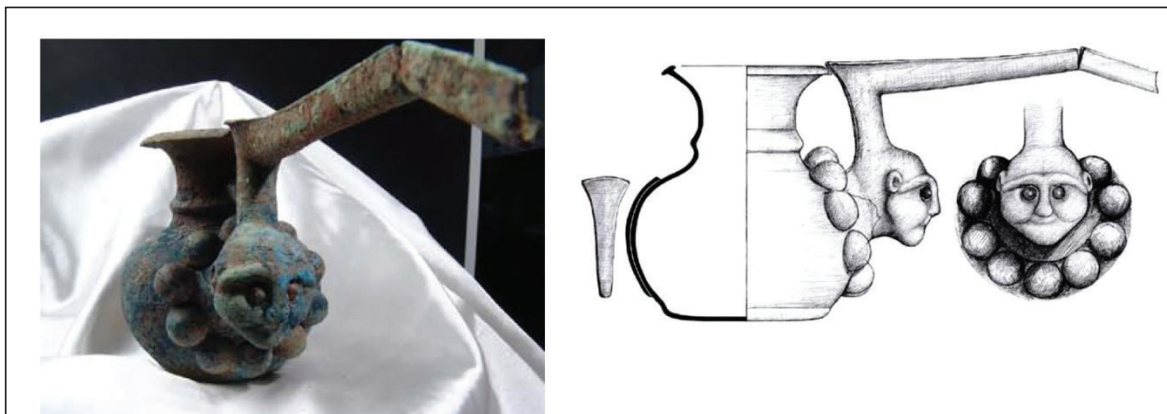
نقوش ظروف مفرغی

به طور کلی، از میان یافته‌های مفرغی در سنگ تراشان، ۱۰۴ عدد، یعنی ۳۴ درصد را ظروف تشکیل می‌دهند. ۱۲ عدد ظروف، دارای نقش و ظروف ساده و بدون نقش ۹۲ عدد هستند. نقوش گیاهی و هندسی بیش‌ترین درصد نقوش را تشکیل می‌دهند و نقوش انسانی دررتبه بعدی قرار می‌گیرد. در سنگ تراشان، قوری‌های مفرغین لوله دار از جلوه‌های بدیع فلزکاری عصر آهن در لبه غربی فلات ایران هستند. تا کنون، نمونه‌های معدودی از این قوری‌ها در محوطه‌هایی چون سیلک و مارلیک و گوران و غیره گزارش شده است. به طور کلی، ۱۷ عدد قوری کامل و سالم و حدود ۱۴ قطعه لوله آبریز قوری و قطعات حاشیه آبریز و بخش‌هایی از بدنه با پرچ‌های نیم‌کروی در کاوش محوطه سنگ تراشان جمع‌آوری شده است. در دو نمونه از آبریزها، بر روی بخش برجسته و شکم‌دار پایین لوله، یک طرح هندسی با خطوط منحنی نقش شده است. در سنگ تراشان، نقش صورت انسان گاه، بر روی شکم پایین لوله این قوری‌ها دیده می‌شود و گاه، بسیار

آشوری با اضافه کردن شیئی روبان مانند، به این درخت و بستن آن به دور تنه نخل، ویژگی خاصی به آن بخشیدند. هنرمندان لرستان نیز به شیوه‌ای مشابه، نواری را به دور تنه نخل خرما افزودند. گل چند پیر به صورت نقش مایه‌های پرکننده در تزیین شماری از سرسنجاها و اشیای دیگری به کار رفته است. در قرن‌های چهاردهم و سیزدهم ق.م. استفاده از یک موجود جدید تخیلی بالدار به نام گرین (شیر-دال) در هنر آشور میانی، به ویژه در مهرهای استوانه‌ای رونق فراوان گرفت. خاستگاه این موجود تخیلی - که ترکیبی از عقاب و شیر است - سرزمین ایلام بوده است و از این سرزمین به سراسر آسیای جنوب غربی از جمله مصر راه یافت. استفاده از بال برای جانوران معمولی از جمله بزکوهی، گاو و اسب، در اواخر قرن سیزدهم و دوازدهم ق.م.، در سرزمین بابلی کاسی و آشور میانی به اوج خود رسید و هنرمندان لرستانی نیز در طول این دوران از گاو بالدار در تزیین سرسنجاها سود جستند. امکان دارد خاستگاه گاو بالدار و بزکوهی بالدار هنر آشور، عیلام بوده و همچون شیر-دال از ایلام به دیگر سرزمین‌های منطقه راه یافته باشد (مجیدزاده، ۱۳۷۰: ۱۵-۱۰).

نقوش زیورآلات مفرغی

در سنگ تراشان تعداد آثار مفرغی تزیینی در میان یافته‌ها بسیار کم بود و حتی از برخی نمونه‌های به دست آمده از دیگر نقاط لرستان، مانند گوشواره و دستبند و گردن آویز هیچ نشانه‌ای نبود. تنها چند نمونه سنجا لباس، شاید تنها موارد اشیای تزیینی است که در میان مجموعه یافت شد (ملک زاده، ۱۳۸۵: ۱۲۱). اما از کل یافته‌های مفرغی



تصویر ۱۶: قوری مفرغینه سنگ تراشان (URL2).

مجالس سلطنتی، ضیافت و بزم های مذهبی و یا شکار دیده می شود. حالت حیوانات کاملاً، طبیعی است و در بعضی از ساغرها حمله شیر به گاو را نشان می دهد. در کنار لبه ساغرها و در محل اتصال بدنه به ته آن، خطوط زیگزاک زنجیره ای یا شبیه نیم دایره ها به صورت U و برعکس است.

نقش خورشیدوار که به شکل گل های هشت پرو ۱۲ پر در زیر لیوان ها و در داخل جام های مفرغی لرستان دیده می شود، اشاره ای به خورشید است و مظهری از خدای خورشید (میترا



تصویر ۱۷: سیتولاهای مفرغی سرخ دم (URL2).

یا مهر) به شمار می رود. دوايرو نقوش دور گل، اشاره به اشعه خورشید و مکمل خورشید یک حیوان شاخ دار است. این حیوان در روی برخی از جام ها و ساغرهای لرستان، عبارت از گاو نریک شاخ، بز کوهی، آهو یا گوزن می باشد. آن چه مسلم است این نقش، معانی به خصوصی دارد و اعتقاد مردم لرستان را به خورشید می رساند. در مجالسی که پیروزی شیران را بر جانوران دیگر، به ویژه گاو، روی ظروف و لیوان های استوانه ای نشان می دهد. نشانه قدرت آسمانی شیران، گلی است که دارای گلبرگ های متعدد می باشد. این گل، گاهی، در روی کیل و گاهی در زیر شکم شیرها نقش شده است (تصویر ۱۷) (همان: ۲۸-۳۰).

نقوش رزم افزارهای مفرغی

همان گونه که از آمارها بر می آید، بیش ترین یافته در محوطه سنگ تراشان، رزم افزار مفرغی است. خنجرهای لاله گوشی یافت شده، که این گونه خنجرها را بر اساس وجود کتیبه بر روی برخی نمونه ها به سده های ۱۳ تا ۱۱ ق. م. تاریخ گذاری

مشبک نشان داده شده است. به نظر می رسد، این نقوش برجسته صورت انسان، اگر نگوئیم خود ظرف را دست کم، مایع درون آن را پیشکش می کنند؛ اما از محوطه های پشت کوه لرستان - که واندنبرگ کاوش کرده - هیچ نشانی از این قوری ها نیست (تصویر ۱۶) (همان: ۶۳).

از دیگر ظروف پیدا شده در سنگ تراشان، سیتولاهای هستند. دهانه این سیتولاهای، قیفی شکل است. قطر دهانه ظروف، حدود ۷ سانتی متر بوده است و هیچ گونه، نقش یا تزیینی بر روی این قطعه مفرغی دیده نمی شود (همان: ۴۳). سیتولاهای ساده و بدون نقش از چندین محوطه در عراق و ایران گزارش شده که اغلب، به اوایل هزاره نخست ق. م. تعلق دارند (Rostovtset, 1931: 25).

در سرخ دم قوری هایی که پیدا شده است، بسیار ساده و در مواردی دارای نقوش هندسی می باشند؛ اما فرم قوری ها شبیه هم هستند. از دیگر یافته ها در سرخ دم، سیتولاهای می باشند که برخلاف سیتولاهای بسیار ساده سنگ تراشان در محوطه سرخ دم سیتولاهای، دارای نقش های جانوری، انسانی، گیاهی و هندسی می باشند. ما اطلاع داریم که آشوری ها از کار صنعت گران نواحی مجاور آشور استفاده می کردند؛ بنابراین، می توانیم تصور کنیم که در کارگاه های لرستان، صنعت گرانی بودند که مدتی از عمر خود را در خدمت آشوری ها گذرانده بودند و به این دلیل، موضوع های آشوری را روی این جام های برنزی با تطبیق به سنن محلی، نقش نموده اند. موضوع های نقش شده از حیث خصوصیات نژادی و جزییات لباس و سلاح، کاملاً، محلی است (گیرشمن، ۱۳۴۴: ۸۰). مردم لرستان با آشوری ها هم رابطه نزدیکی داشته اند. این مطلب از مقایسه اشیای مفرغی سرخ دم لرستان به وضوح، نمایان است. برخی از نقوش آشوری، مانند درخت نخل، نقش حیوانات تلفیقی، نقش آتشدان ها، نقش مراسم مذهبی، قربانگاه و... نقش مجسمه های کرکس و ابوالهول ها و... روی سیتولاهای مفرغی لرستان دیده می شود. نفوذ نقوش آشوری در بیش تراشیا، به ویژه، در لیوان ها (ساغرهای یا سیتولاهای) - که از مفرغ ساخته شده و از منطقه لرستان به دست آمده اند و تعداد آن ها بسیار زیاد است - به وضوح، دیده می شود. روی این سیتولاهای، معمولاً، نقوش شیرو گاو و عقاب - حیوانات خیالی و تلفیقی و درخت مقدس و انسان که همه با هم تلفیق شده اند، معمولاً، در



تصویر ۱۸: سر تبر مفرغی سنگ تراشان (URL2).

تأثیر هنر بین النهرین و عیلام بر نقوش مفرغینه‌های سرخ دم و سنگ تراشان

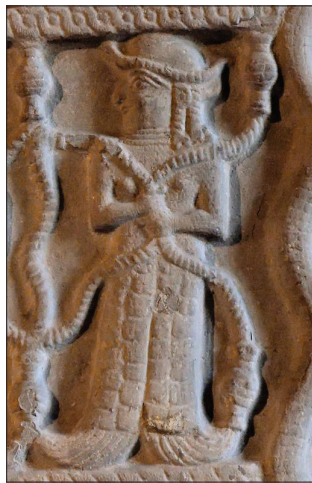
به علت نزدیکی مکانی و زمانی این دو ناحیه مهم و قدمت آن‌ها، می‌توان تأثیرات فرهنگی و مذهبی این دو مکان را نیز مورد توجه قرار داد. تمدن عیلام و تأثیر آن از بین النهرین و همجواری آن با لرستان، این نکته را روشن می‌کند که اشتراکات فرهنگی زیادی باید بین این دو منطقه وجود داشته باشد. هم چنین، آثار به دست آمده و نقوش مشترک، این نکته را تأکید می‌کند. ایزدان هومبان، شوشیناک و شازی در اساطیر عیلامی، نمایشی از جهان‌های بالا و پایین یا بهشت و جهنم هستند. نقش مایه شین یا مار در جهان زیرین و اسارت آن توسط خدایگان، که در هنر عیلام به وفور دیده می‌شود (تصویر ۲)، و نقش بز، به عنوان حرکت و انرژی جهان بالا نیز نمایشی از جاودانگی خدایان و پیروان آن‌ها در جهان دیگر است، در نقوش مفرغینه‌های لرستان نیز تأثیر گذاشته و وجود دارد (تصویر ۲۱).

کرده اند، از جمله کالمایر خنجرهای مشابه این‌ها را به سده‌های پایانی هزاره دوم نسبت می‌دهد (ملک زاده، ۱۳۸۵: ۵۶). از نگاه کاربردی رزم افزارهای سنگ تراشان، به دو دسته واقعی و نمادین تقسیم می‌شوند. رزم افزارهای واقعی، اکثریت مطلق رو تشکیل می‌دهند. ولی تعداد اندکی رزم افزار مینیاتوری، نشانه ناکاربردی و نمادین بودن آن‌هاست نیز وجود دارد (همان: ۵۸). از میان رزم افزارهای سنگ تراشان، تعدادی تبر پیدا شده که در قسمت بالایی آن و محل اتصال به دسته از نقوش انسانی و جانوری استفاده شده که نقوش جانوری درصد بیش تری را نسبت به دیگر نقوش تشکیل می‌دهد و این نشانه اعتقاد به انتقال قدرت آن جانور به رزم افزار موجود می‌باشد (تصویر ۱۸).

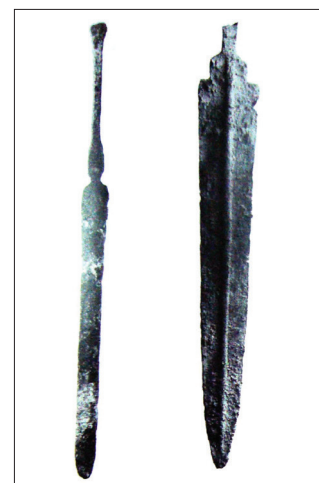
در محوطه سرخ دم از میان کل رزم افزارهای یافت شده، سر پیکان، گرز، کارد، خنجر، تیشه و شمشیرها ساده و بدون نقش هستند و فقط تعداد اندکی از میان آن‌ها دارای نقش جانوری می‌باشند (تصویر ۱۹).



تصویر ۲۱: جنگجوی سومری، مهر استوانه‌ای، هزاره سوم ق.م. (URL3).



تصویر ۲۰: سنگ نگاره یادبود اونتاش ناپیریشا، عیلام، ۱۱۳۴۰ الی ۱۳۰۰ ق.م. (URL1).



تصویر ۱۹: رزم افزار محوطه سرخ دم لری (URL2).

نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر، دو محوطه سرخ دم لری - که اولین منطقه حفاری شده در پیشکوه لرستان است - و هم‌چنین، محوطه سنگ تراشان - که به تازگی کشف شده - مورد بررسی قرار گرفته شد و به مقایسه تطبیقی نقوش مفرغ‌های دو منطقه مذکور پرداخته شد. به طور کلی، براساس بررسی‌های صورت گرفته از دو محوطه باستانی سرخ دم و سنگ تراشان، یافته‌های مفرغین منطقه سرخ دم، ۵۰۸ عدد و سنگ تراشان ۲۹۳ عدد می‌باشند. در میان اشیای مفرغین یافت شده در سرخ دم لری، سرسنجاق‌ها دارای درصد بیش‌تری نسبت به دیگر اشیای مفرغین می‌باشند و تعداد آن‌ها ۳۹۱ عدد است. در بین بقیه اشیای مفرغین رزم‌افزارها ۵۳ عدد، زیورآلات ۱۴۲ عدد، ظروف ۳۲ عدد، پیکره‌های کوچک اندام جانوری ۳۳ عدد و دیگر گونه‌ها ۱۵۴ عدد هستند.

از کل یافته‌های مفرغی سرخ دم، ۱۴۲ عدد آن‌ها متعلق به گروه زیورآلات است که ۱۸ درصد کل یافته‌های مفرغی را تشکیل می‌دهند. از این میان، ۱۱۹ عدد آن‌ها بدون نقش و ۲۲ عدد آن‌ها دارای نقش هستند. نقوش جانوری بیش‌ترین تعداد را دارا می‌باشد و حدود ۵۳ درصد از زیورآلات دارای نقوش جانوری می‌باشند. نقوش خدایان جانوری ۳۵ درصد از کل زیورآلات و در رتبه دوم قرار دارد؛ اما نقوش گیاهی و انسانی درصد بسیار اندکی را شامل می‌شوند.

به طور کلی، یافته‌های مفرغین محوطه سنگ تراشان به سه دسته رزم‌افزارها، ظروف و دیگر گونه‌ها تقسیم می‌شوند. در میان این اشیای مفرغین نسبتی تقریباً، متعادل میان رزم‌افزارها (۱۲۹ عدد) و ظروف (۱۰۴ عدد) برقرار است. رزم‌افزارها شامل شمشیرها، خنجرها، کاردها، پیکان‌ها و سرتبرهاست، از میان ۱۲۹ رزم‌افزار، رزم‌افزارهای بدون نقش ۹۶ عدد هستند. و رزم‌افزارهای دارای نقش ۴۳ عدد؛ که نقوش جانوری ۸ عدد، نقوش هندسی ۲ عدد و نقوش تلفیقی ۴ عدد است.

با توجه به بررسی‌های صورت گرفته از میان مفرغینه‌های محوطه سنگ تراشان رزم‌افزارها، بیش‌ترین تعداد یافته‌ها محسوب می‌شوند. و بیش‌ترین نقوش به کار برده شده در مفرغینه‌ها، نقوش جانوری می‌باشد. این نقوش، متنازاً عقاید و باورهای دینی و آیینی مردمان آن منطقه می‌باشد. بیش‌ترین درصد از مفرغینه‌های سرخ دم را سرسنجاق‌ها تشکیل می‌دهند که به عنوان نذر در دیوارهای این عبادتگاه

قرار داده شده بودند. بیش‌ترین نقوش آن‌ها، حیوانی بوده و در رتبه بعد نقوش گیاهی قرار می‌گیرد؛ اما در سنگ تراشان بدین گونه نبوده و تعداد بسیار کمی سرسنجاق یافت شده و با تزیینات بسیار کم و سرسنجاق دیسکی شکل نیز در این محوطه یافت نشده است. در سنگ تراشان تعداد آثار مفرغی تزیینی در میان یافته‌ها، بسیار کم بود و حتی از برخی نمونه‌های به دست آمده از دیگر نقاط لرستان، مانند گوشواره و دستبند و گردن آویز هیچ نشانه‌ای نبود. تنها چند نمونه سنجاق لباس، شاید تنها موارد اشیای تزیینی است که در میان مجموعه یافت شد.

در سنگ تراشان قوری‌های مفرغین لوله دار از جلوه‌های بدیع فلزکاری عصر آهن در لبه غربی فلات ایران هستند. به طور کلی ۱۷ عدد قوری کامل و سالم و حدود ۱۴ قطعه لوله آبریز قوری جمع‌آوری شده است. در سنگ تراشان، نقش صورت انسان گاه، بر روی شکم پایین لوله این قوری‌ها دیده می‌شود و گاه، بسیار مسبک نشان داده شده است. در سرخ دم، قوری‌هایی که پیدا شده است بسیار ساده و در مواردی دارای نقوش هندسی می‌باشند؛ فرم قوری‌ها شبیه قوری‌های سنگ تراشان می‌باشند. از دیگر ظروف پیدا شده در سنگ تراشان سیتولاها هستند. دهانه این سیتولاها، کیفی شکل است و هیچ گونه نقش یا تزیینی بر روی این قطعه مفرغی دیده نمی‌شود. سیتولا‌های ساده و بدون نقش از چندین محوطه در عراق و ایران گزارش شده که اغلب به اوایل هزاره نخست ق.م. تعلق دارند. برخلاف سیتولا‌های بسیار ساده سنگ تراشان، در محوطه سرخ دم، سیتولا‌ها دارای نقش‌های جانوری، انسانی، گیاهی و هندسی می‌باشند. نفوذ نقوش آشوری در بیش‌تر ایشیا، به ویژه در لیوان‌ها (ساغر‌ها یا سیتولاها) - که از مفرغ ساخته شده و از منطقه لرستان به دست آمده اند و تعداد آن‌ها بسیار زیاد است - به وضوح، دیده می‌شود. از میان رزم‌افزارهای سنگ تراشان تعدادی تریپیدا شده که در قسمت بالایی آن و محل اتصال به دسته از نقوش انسانی و جانوری استفاده شده که نقوش جانوری درصد بیش‌تری را نسبت به دیگر نقوش تشکیل می‌دهد و این نشانه اعتقاد به انتقال قدرت آن جانور به رزم‌افزار موجود می‌باشد. در محوطه سرخ دم، کل رزم‌افزارهای یافت شده ساده و بدون نقش هستند و فقط تعداد اندکی از میان آن‌ها دارای نقوش جانوری می‌باشند.

به طور کلی، از نظر مفهوم نقوش و کاربری مفرغینه‌های دو محوطه باستانی، نقوش مشترک یک مفهوم خاص را القا می‌کنند؛ البته نقوش غیر مشترک فراوانی نیز بین مفرغینه‌های دو محوطه وجود داشت. در نهایت، آثار مکشوفه در محوطه سرخ دم به جز تعدادی که مربوط به دوره مفرغ است، به زمانی میان ۱۲۰۰-۶۵۰ ق.م. تعلق دارند؛ و اگر عصر آهن یک رادر فاصله سال‌های ۱۵۰۰-۱۲۵۰ ق.م. عصر آهن دو را ۱۲۵۰-۸۵۰ ق.م. و عصر آهن سه را ۸۵۰-۵۵۰ ق.م. بدانیم، تاریخ نهشته شدن دفرینه سنگ تراشان را می‌توانیم میان عصر آهن دو به سه تاریخ‌گذاری کنیم. بی تردید، بین این دو منطقه باستانی در لرستان و همسایگان جنوبی و غربی آنان، یعنی عیلام و بین‌النهرین، تبادلات فرهنگی و هنری بسیاری یافت می‌شود که آثار آن اندک، اما قوی از این دوران به جای مانده است.

پی‌نوشت

1. L. Vanden Berghe.
۲. مسبک (stylized)، به معنای سبک دار کردن آثار و دست ساخته‌ها با پیروی از قواعد سنت غیر واقع‌گرایی که در آن اشکال طبیعی به صورت هندسی و اغراق آمیز، ساده می‌شده است (URL ۴).
۳. قومی در غرب زاگرس (هزاره اول ق.م.).
4. E. Porada.
5. R. H. Dyson.
6. L. Schaefer.
۷. وجود افسانه‌های گیلگمش «ژیلکام»-اوانس (آ) و پرومته و... تا حدودی نحوه اعتقادات و عقاید مردم باستان را نسبت به وجود خدایان مختلف نشان می‌دهد.
۸. درخت زندگی را به صورت درخت نخل در اغلب اشیای باستانی نقش کرده‌اند.
۹. به عقیده بعضی باستان‌شناسان، نقش شیر در روی اشیای باستانی یا مجسمه شیر در حال حمله به گاو مظهری از مهر (خداوند خورشید) است. حمله شیر به گاو حیوان شاخ دار دیگر نشانه حمله مهر به گاو و کشته شدن گاو به دست مهر است.
۱۰. خطوط ماریچی نیز که از قدیم‌ترین زمان علامتی قراردادی برای وجود آب بوده روی ظروف سفالین، نقره‌ای و مفرغی دیده می‌شود. این خطوط به ویژه روی ظروفی که با آن آب یا سایر مایعات را می‌نوشیدند، نقش شده‌اند.

منابع

- رضایی، لیلیا (۱۳۸۴). *بررسی نقوش اساطیری مفرغ‌های لرستان در موزه ایران باستان*، کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه تهران.
- زاهدیان، آتنا (۱۳۹۶). *بررسی نقوش در مفرغ‌های لرستان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد نقاشی، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز.
- صفایی، انسیه (۱۳۸۹). *نماد و نشانه‌شناسی نقوش تصویری مفرغ‌های لرستان و تصویرسازی بخشی از اسطوره گیلگمش در قالب تصویرسازی سه بعدی*، کارشناسی ارشد تصویرسازی، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز.
- علانی، علی اکبر (۱۳۴۵). *مجموعه هنری اشیای مفرغی لرستان، هنر و مردم*، دوره ۴، شماره ۵، ۳۹-۴۵.
- قاضی، مریم (۱۳۸۱). *پژوهشی پیرامون ظروف فلزی لرستان نیمه اول هزاره اول قبل از میلاد*، کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، تهران: دانشگاه تهران.
- کریمی، بهمن (۱۳۵۲). *تمدن آریایی‌ها و خط سیر آن‌ها و برنز لرستان*، بررسی‌های تاریخی، شماره ۶، سال دوم.
- گاف مید کالر (۱۳۵۲). *لرستان در نیمه نخست هزاره اول پیش از میلاد*، مجله بررسی‌های تاریخی، ترجمه فرخنده اعتصام، مهر و آبان ۱۳۵۶، سال دوازدهم، شماره ۴-۴۸: تهران: دانشگاه ملی ایران.
- گیرشمن، رومن (۱۳۴۴). *ایران از آغاز تا اسلام*، ترجمه محمد معین، تهران: علمی فرهنگی.
- مجیدزاده، یوسف (۱۳۶۷). *تاریخ گذاری سرسنجاق‌های مفرغی لرستان، باستان‌شناسی و تاریخ*، سال سوم، شماره ۱، ۳-۱۲.
- مجیدزاده، یوسف (۱۳۷۰). *تاریخ و تمدن ایلام*، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- معتمدی، نصرت‌الله (۱۳۵۳). *تمدن هزاره پنجم لرستان، انجمن فرهنگ ایران باستان*، سال ۱۳، شماره ۱۶، ۵۹-۷۳.
- ملک‌زاده، مهرداد (۱۳۸۵). *گزارش توصیفی مقدماتی سه فصل نخستین کاوش‌های نجات بخشی سنگ تراشان خرم‌آباد*، تهران: پژوهشکده باستان‌شناسی سازمان میراث فرهنگی.
- منصورزاده، یوسف (۱۳۹۷). *بررسی نقش گیلگمش بر هنر مفرغ کاری لرستان، نامه هنرهای تجسمی و کاربردی*، شماره ۲۱، ۸۵-۱۰۰.
- موسوی اسدزاده، سیامک (۱۳۷۷). *آثار مفرغی لرستان، لرستان پژوهی*، سال اول، شماره ۲ و ۱، ۳۴۷-۳۵۵.
- نورزاده جگنی، ناصر (۱۳۷۲). *نخستین فعالیت‌های باستان‌شناسی در لرستان، باستان‌شناسی و تاریخ*، سال هفتم، شماره ۱ و ۲، ۲۱-۳۲.
- واندنبرگ، لویی (۱۳۴۹). *باستان‌شناسی ایران باستان*، ترجمه یحیی شهیدی، *بررسی‌های تاریخی*، شماره ۲۷، ۲۱-۲۱.
- هژبری نوبری، علیرضا (۱۳۹۰). *سنجاق‌های میله‌ای لرستان، جامعه‌شناسی و تاریخ*، دوره ۳، شماره ۲، ۱۶۵-۱۸۸.
- هول، فرانک (۱۳۵۲ الف). *باستان‌شناسی غرب ایران*، ترجمه زهرا باستی، تهران: سمت.
- هول، فرانک (۱۳۵۲ ب). *دوره پیش از تاریخ در جنوب غربی ایران*، ترجمه سکندر امان‌الهی، خرم‌آباد: دانش.

- A'laei, A. A. (1967). Art Collection of Lorestan Bronze Objects, *Honar va Mardom*, 4(5), 39-45 (Text in Persian).
- Clare Goff, M. (1973). Lorestan in the First Half of the First Millennium BC, *Barresi-Ha-Ye-Tarikh*, Translated by Farkhondeh Etesam, 12(4), 11-48 (Text in Persian).
- Ghirshman, R. (1966). *L'Iran des Origines a l'Islam*, Translated by Mohammad Moein, Tehran: Elmi Farhangi (Text in Persian).
- Hejabri Nobari, A. & Sabzi Doabi, M. (2012). *The Study of Bar Pins in Lorestan*, Journal of Historical Sociology, 3(2), 165-188 (Text in Persian).
- Hole, F. (1974). *The Prehistory of Southwestern Iran: A Preliminary Report*, Translated by Sekandar Amanolahi, Khorramabad: Danesh (Text in Persian).
- Hole, F. (1974). The Archaeology of Western Iran: Settlement and Society from
- Majid Zadeh, Y. (1989). Dating of Lorestan Bronze Pin Heads, *Bastan Shenasi va Tarikh*, 3(1), 3-12 (Text in Persian).
- Majid Zadeh, Y. (1992). *Ilam History and Civilization*, Tehran: Iran University Press (Text in Persian).
- Malekzadeh, M. (2006). *Preliminary Descriptive Report of First Three Chapters Of Khorramabad Sangtarashan Emergency Excavations*, Tehran: Research Institute of Cultural Heritage & Tourism (Text in Persian).
- Mansourzadeh, Y. (2019). Investigating Gilgamesh Motif on Bronze Artworks of Lorestan, *Journal of Visual and Applied Arts*, 21, 85-100 (Text in Persian).
- Motamedi, N. (1975). Lorestan's Fifth Millennium Civilization, *Anjoman-E-Farhang-E-Iran-E Bastan*, 13(16)-59-73 (Text in Persian).
- Mousavi Asadzadeh, S. (1998). Lorestan Bronze Works, *Lorestan Pazhoohi*, 1(1 & 2), 347-355 (Text in Persian).
- Muscarella, O. W. (1977). The Archaeological Evidence for Relations between Greece and Iran in the First Millennium B.C., *Archaeology, Artifacts and Antiquities of the Ancient Near East*, 655-687. DOI: https://doi.org/10.1163/9789004236691_023.
- Nourzadeh Chagani, N. (1994). First Archaeological Activities in Lorestan, *Bastan Shenasi va Tarikh*, 7(1&2), 21-31 (Text in Persian).
- Rezaei, L. (2005). *Investigation of the Mythological Motifs of the Lorestan Bronze Age in the Museum of Ancient Iran*, University of Tehran (Text in Persian).
- Rostovtzeff, M. (1931), *Some Remarks on the Luristan Bronzes*, Turkey: Ipek University.
- Safaei, E. (2010). *Symbolism and Semiotics of Lorestan Bronze Visual Motifs and Imagery Part of Gilgamesh Myth in 3D Imaging*, Islamic Azad University, Tehran Branch (Text in Persian).
- Schmidt, E. F., Van Loon, M. N. & Curvers, H. H. with contribution by J. A. Brinkman (1989). *The Holmes Expeditions to Lorestan*, USA: The University of Chicago Oriental Institute Publications.
- Wanderbeg, L. (1970). Archeology of Ancient Iran, Translated by Yahya Shahidi, *Barresi-Ha-Ye-Tarikh*, 27, 9-21.
- Zahedian, A. (2017). *Investigating the Motifs in Lorestan Bronze*, Islamic Azad University, Central Tehran Branch (Text in Persian).

URLs:

- URL1. <https://article.tebyan.net>
- URL2. <http://www.lorestanchto.ir>
- URL3. <http://www.fredsmars.blogspot.com>
- URL4. <http://www.vajehyab.com>

Studying the Bronze of Sorkh Dom and Sang Tarashan Regions in Lorestan Province and their Motifs

Abstract

The motifs of ancient times are derived from rituals, beliefs and customs that have maintained their unique features over the centuries. The most remarkable artistic achievement of Western Iran at the end of the 2nd millennium BC and the beginning of the 1st millennium BC is the bronze works known as Lorestan Bronze. The Sorkh Dom-i-Lori site, the first excavated site in Pishkuh of Luristan, was excavated in 1930 by the Holmes Archaeological Board under the supervision of Friedrich Schmidt. Sangtarashan site is also another ancient site of Lorestan located 52 km southeast of Khorramabad. The newly discovered site has an unusual texture. Studying and comparing the typology of the objects, these two sites were introduced as one of Iran's largest bronze treasure troves. In the present study, authors examined the motifs of the Sorkh Dom-i-Lori and the recently discovered Sangtarashan sites. It was first excavated in 2005 and the excavation in the south and west of the site has not yet been completed. The study mainly aimed to identify and introduce the bronze objects of the two archaeological sites and also quantitatively study the types of motifs, and adapt the time period, form and content of the motifs used in the archaeological sites.

The first phase of excavation was done in the area in 2005 and the excavations are not finished yet in southern and western regions. Studying and comparing the typology of the objects of these areas introduced these two places as the greatest Iranian bronze treasure locations. Statistically, most of the known findings attributed to the culture of Lorestan were not obtained through scientific excavations. They were transferred to museums from antique markets. In Sangtarashan, archaeologists are exposed to a series obtained from scientific excavations. Therefore, clear and certain foundations can be created to compare Lorestan bronze objects. The present study identified different types of bronze objects in the two ancient sites of Sorkh Dom and Sangtarashan with a new attitude and examined their motifs, concepts and applications with an amazing variety. The data analysis method was descriptive-analytical. Using desk studies, the bronze objects of both sites were introduced, and the types of their motifs were generally divided into several categories: human, animal, plant and geometrical, imaginary and mythical motifs. Animal motifs were most used. These motifs have been studied quantitatively, qualitatively and comparatively in terms of time, concept and form.

Keywords: Motifs, Bronze, Lorestan, Sorkh Dom, Sangtarashan.



■ Eslamdoost, M.

University Instructor,
Department of Visual
Communication, Rasam Institute
of Higher Education, Karaj, Iran,
Corresponding Author.

Email: eslamdoost@yahoo.com

■ Sheikhi Narani, H.

Assistant Professor, Department
of Graphic, Rasam Institute of
Higher Education, Karaj, Iran.

Email: sh_graphica@yahoo.com

■ Ghanbari Baba Abbasi, N.

Master of Islamic Arts, Soore
University, Tehran, Iran.

Email: babaabbasi@gmail.com

Date Received: 2019/12/07

Date Received: 2020/02/01

1-DOI: 10.22051/pgj.2020.29368.1057